

تحقق آن‌ها این پدیده‌ها رخ می‌دهد، وگرنه کدام شهروند است که با وجود تاکسی و اتوبوس باز هم سوار یک خودروی عبوری ناشناس شود. قطعاً این وضعیت ریشه در ضعف‌هایی دارد که بخشی از آن مربوط به نوسازی ناوگان است، بخشی به توسعه، و بخشی هم به انضباط و مدیریت بر ناوگان است. به‌ویژه نکته‌ای که شما اشاره کردید کاملاً درست است؛ خودروهایی که بین شهری فعالیت دارند. تهران شهری است که اطراف آن را شهرهای خوبگاهی احاطه کرده‌اند. بسیاری از مردم برای کار به تهران می‌آیند اما به دلیل گرانی مسکن و مسائل دیگر، محل سکونت خود را به شهرهای ارزان‌تر اطراف تهران منتقل کرده‌اند. این وظیفه‌سازمان تاکسیرانی دوشهر مبدأومقصد است که باهمکاری یکدیگر برنامه‌هایی تدوین کنندو حتی برای ساعات کم‌مسافر نیز چاره‌اندیشی کنند. به نظر من، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های وزارت کشور باید نقش فعال‌تری در اتصال شهرهای مبدأومقصد ایفا کنند تا این مشکل رفع شود.

اوا با اشاره به اتوبوس‌ها نیز افزود: «به یاد دارم در دهه ۸۰ به ما گفتند مسئولیت اتوبوس‌های بین تهران وشهرهای اطراف یا شهرهای پیرامونی است، نه تهران. این موضوع تصویب شدومسئولیت ومدیریت به آن شهرها واگذار شد. به نظرم این کار باید مشارکتی باشد؛ نمی‌توان گفت فقط مسئولیت با یک شهر است. نه فقط تهران ونه فقط شهر مقصد، بلکه وزارت کشور هم باید نقش خود را در این زمینه به خوبی ایفا کند تا این نقص برطرف شود. اما حتی اگر این هماهنگی‌ها صورت بگیرد، اگر ناوگان نباشد یا امکانات حمل‌ونقل کافی وجود نداشته باشد، باز مردم مجبورند بین سفر نکردن و استفاده از خودروی پرخطر، گزینه دومی را انتخاب کنند؛ چراکه نمی‌توانند از زندگی و کارشان بازمانند. کسی که صبح به تهران آمده وبعذاظهر تاکسی نباشد، باید چه کاری انجام دهد؟ به نظرم من، نقش دولت در حمایت از شهرداری‌ها برای تأمین منابع، به‌ویژه وام برای نوسازی، بسیار مهم است. باید به‌صورت دقیق ارزیابی شود که چند دستگاه خودرو نیاز داریم، در چه ساعاتی باید فعال باشند و... این حادثه تلخ، که برای همه ما ایرانیان ناراحت‌کننده بود، انشاالله بهانه‌ای برای مرتفع شدن این نقایص باشد. «تشکر می‌هایشمی با اشاره به فعالیت مسافركشان شهرستانی در تهران گفت: «البته کسی نگفته آن‌ها حق کار کردن ندارند. قانون می‌گوید استفاده از خودروی شخصی برای مسافربری ممنوع است. پس باید با قرار گرفتن در طرح‌های ساماندهی، مجوز تاکسی بگیرندوبه‌عنوان یک شهروندی که علاقمند به کار در تهران است، با یک خودروی شناخته‌شده به‌طور رسمی فعالیت کنند. پس از نظر قانونی، مانعی برای زندگی و کار در تهران وجود ندارد اما قانون راهنمایی‌ورانندگی صراحتاً بیان می‌کند که مسافربری با خودرویلاک شخصی ممنوع است. حال سوال این است که چگونه می‌توان این مسئله را حل کرد؟ راهکار این است که افراد به سازمان تاکسیرانی مراجعه کرده، در طرح ساماندهی قرار بگیرندوبادر یافت‌مجوز و علامت مشخص، به‌عنوان یک تاکسی شهری فعالیت خود را آغاز کنند.» رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران تأکید کرد: «وقتی از پلاک صحبت می‌کنیم، در واقع از هویت خودرو می‌گوییم؛ اینکه این خودرو به کدام استان و شهر تعلق دارد و صاحب آن کجا زندگی و کسبوکار می‌کند. اگر کسی قصد دارد محل زندگی خود را برای کار به شهر دیگری ترک کند، طبق قانون اگر بیش از ده روز در آن شهر اقامت داشته باشد، باید به راهنمایی‌ورانندگی مراجعه کرده ویلاک مربوط به آن شهر مقصد را دریافت کند. بنابراین، کسی با کار کردن شهرستانی در تهران، مخالفتی ندارد اما اگر این افراد تصمیم دارند در تهران کار کنند، باید محل اقامت ومحل کسبوکارشان رامشخص کنندو پس از آن سازمان تاکسیرانی بررسی کند که آیا شرایط لازم را دارند یا خیر. مثلاً فردی که تعادل جسمانی ندارد یا از مشکلات

روانی رنج می‌برد، یا دچار اعتیاد است، یا سابقه‌ای چون درگیری و بزهکاری دارد، ممکن است اجازه فعالیت در این حوزه را نداشته باشد. ما نمی‌گوییم چنین فردی حق زندگی یا کار ندارد، اما نه در حوزه حمل‌ونقل عمومی که جزو مشاغل بسیار حساس محسوب می‌شود. این افراد نمی‌توانند در جایی که مردم می‌خواهند جان زن وبچه و خانواده خود را به اوبسپارند فعالیت داشته باشند.» او در واکنش به این موضوع که با آمدن تاکسی‌های اینترنتی ر هر کسی وارد حوزه حمل و نقل شده است، گفت: «به همین دلیل ما بارها اعلام کرده‌ایم که باید تکلیف تاکسی‌های اینترنتی روشن شود. قانون تکلیف را روشن کرده و در حال حاضر قانون اجرا نمی‌شود. این شرکت‌ها باید تحت نظارت شهرداری‌ها باشند.» تشکر می‌هایشمی در پاسخ به این سوال که چه کسی مانع از این نظارت شده است؟ تأکید کرد: «این کسب و کارهایی هستند که از طریق اصناف و وزارت‌های کشور و صمت حمایت می‌شوند. کسی مخالف کسب و کار اینترنتی نیست اما معنی فعالیت آنها این نیست که قوانین دیگر را نادیده بگیرند. شرکت‌ها، خودروها و رانندگان تاکسی‌های اینترنتی باید در شهرداری‌ها رجیستر شوند و اگر احراز هویت شدند زیر نظر سازمان تاکسیرانی به کسب و کار خود ادامه دهند. بررسی کنید چند درصد رانندگان تاکسیرانی تخلفات را انجام می‌دهند؟ بسیار کم است و اگر رفتار ناشایستی انجام شود به سرعت راننده شناسایی و با او برخورد‌های قانونی می‌شود. سازمان تاکسیرانی آیین‌نامه‌های انضباطی، مقررات ومصوبات قانونی دارد که برای رانندگان اعمال می‌شود. اما وقتی یک راننده تاکسی بی‌محابا، شناخته‌نشده وبدون هیچ کنترلی به تهران مهاجرت کرده و در کلونی‌هایی اقدام به مسافركشی می‌کند، طبیعی است که این اتفاقات رخ دهد.»

▼ ۱۰هزار تاکسی در اختیار مدیریت شهری نیست

ناصر امانی، دیگر عضو شورای شهر تهران نیز در گفت‌وگو با هم‌میهن درباره مدیریت تاکسی‌ها برای خدمات‌دهی بهتر تأکید کرد: «واقعیت این است که اطلاعات بیش از ۱۰هزار تاکسی در سازمان تاکسیرانی وجود دارد. در اول دوره ششم مدیریت شهری اعلام شد که حدود ۱۰ هزار تاکسی در خط حضور نداشتند اما در این چندسال آن طور که مدیرعامل سازمان تاکسیرانی اعلام کرد، ۵۰ درصد این تاکسی‌ها شناسایی وبه خطوط تاکسیرانی بازگشته‌اند. اما همچنان ۱۰ هزار تاکسی در اختیار مدیریت شهری نیست. یعنی از امکانات تاکسیرانی استفاده شده اما فعالیت نمی‌کنند.» او افزود: «در دوره قبلی ۴۰ هزار خودروی شخصی که اقدام به مسافركشی می‌کردند راتحت مدیریت سازمان تاکسیرانی قرار دادندو عملاً تبدیل به تاکسی شده‌اند. این عضو شورای شهر با اشاره به کمبودهای ناوگان حمل و نقل عمومی، گفت: «در چند سال گذشته به‌ویژه از اول دوره پنجم مدیریت شهری تهران با کمبود وسایل نقلیه عمومی روبه‌رو بوده است. از سوی دیگر فرسوده شدن اتوبوس‌ها و اضافه نشدن واگن به‌مترونیز مزید بر علت شد. کمبود وسایل نقلیه عمومی بخشی از مردم را مجبور می‌کند که از وسایل حمل و نقل خصوصی مانند تاکسی‌های اینترنتی و خودروهای شخصی استفاده کنند. اگر حمل و نقل عمومی توسعه‌یافته بود، نیازی نبود که خودروهای شخصی به‌ویژه از شهرستان برای مسافركشی به تهران بیایند. این مسافركشان اگر مسافر نداشته باشند که به تهران نمی‌آیند. کسری در تاکسی واتوبوس و عدم توسعه حمل و نقل عمومی این وضعیت را فاجعار و آشفته امروز را به وجود آورده است. دستور آقای مومنی (وزیر کشور) نیز نوشداروی بعد از مرگ سهراب بود.»

آخرین باری که ارتش آمریکا برای مقابله با اعتراضات داخلی وارد عمل شد، مربوط به شورش‌های سال ۱۹۹۲ در همین شهر بود. زمانی که لس آنجلس درگیر اعتراضاتی شد که به دنبال ضرب و شتم یک سیاه‌پوست توسط نیروهای پلیس این شهر و تیر به آن‌ها توسط دادگاه رخ داد، حالا ۳۳ سال بعد از آن زمان، بار دیگر احتمال ورود ارتش آمریکا پس از گارد ملی وجود دارد که در صورت وقوع، ششمین ورود آن‌ها به موضوعات داخلی آمریکا در تاریخ این کشور خواهد بود. ارتش آمریکا اجازه مداخله در امور انتظامی داخلی را ندارد اما تحت قانون شورش (Insurrection Act) و شرایط خاص مانند شورش مسلحانه می‌تواند وارد عمل شود. احتمالاً به همین دلیل است که **گاوین نیوسام، فرماندار دموکرات کالیفرنیا**، صحبت هگست درباره به کارگیری تفنگداران دریایی را جنون‌آمیز و اقدام ترامپ در اعزام گارد ملی را تحریک‌آمیز خواند. او این اقدامات فدرال را تحریک‌آمیز خوانده و از مقاومت پلیس محلی در برابر معترضان خبر داده بود.

کش پتل، رئیس پلیس فدرال آمریکانیز معترضان را تهدید کرد. او در تویتر نوشت: «اگر به یک مأمور پلیس حمله کنید، بدون تردید به زندان خواهید رفت. مهم نیست از کجا آمده‌اید، چگونه وارد کشور شده‌اید یا به کدام جنبش تعلق خاطر دارید. اگر نیروی پلیس محلی از مأموران وظیفه‌شناس (پلیس مهاجرت) حمایت نکنند، ما در FBI این مسئولیت را بر عهده خواهیم گرفت.» **کلرن یاس، شهردار لس آنجلس** نیز در انتقاد از عملیات مأموران اداره مهاجرت گفته بود که آن‌ها در حال «کاشت وحشت» در دومین شهر بزرگ آمریکا هستند. **آدام شفیف، سناتور دموکرات کالیفرنیا** دستور ترامپ را ناشی از تلاش برای افزایش تنش وتوجیه اقداماتش خواند. او در تویتر (شبکه ایکس) نوشت: «دولت ترامپ بدون مجوز فرماندار، خواستار استقرار گارد ملی در ایالت کالیفرنیا شده است؛ اقدامی بی‌سابقه که هدف آن دامن‌زدن به تنش‌ها، ایجاد آشوب و تشدید وضعیت ناآرام است. اگر حضور گارد ملی برای بازگرداندن آرامش ضروری باشد، فرماندار خودش چنین درخواستی خواهد کرد. اما ادامه این مسیر، اعتماد عمومی به گارد ملی را از بین می‌برد و الگویی خطرناک از سوءاستفاده یک‌جانبه از این نیروها در سراسر کشور به وجود می‌آورد. خشونت باید متوقف شود و تمرکز ما باید بر حفاظت از حقوق بنیادین باقی بماند. هیچ چیز بیش از یک درگیری خشونت‌آمیز با معترضان، ترامپ را خوشحال نمی‌کند؛ چراکه می‌تواند از آن برای توجیه اقدامات غیرقابل توجیهی مانند اجرای قانون شورش یانوعی حکومت نظامی استفاده کند.»

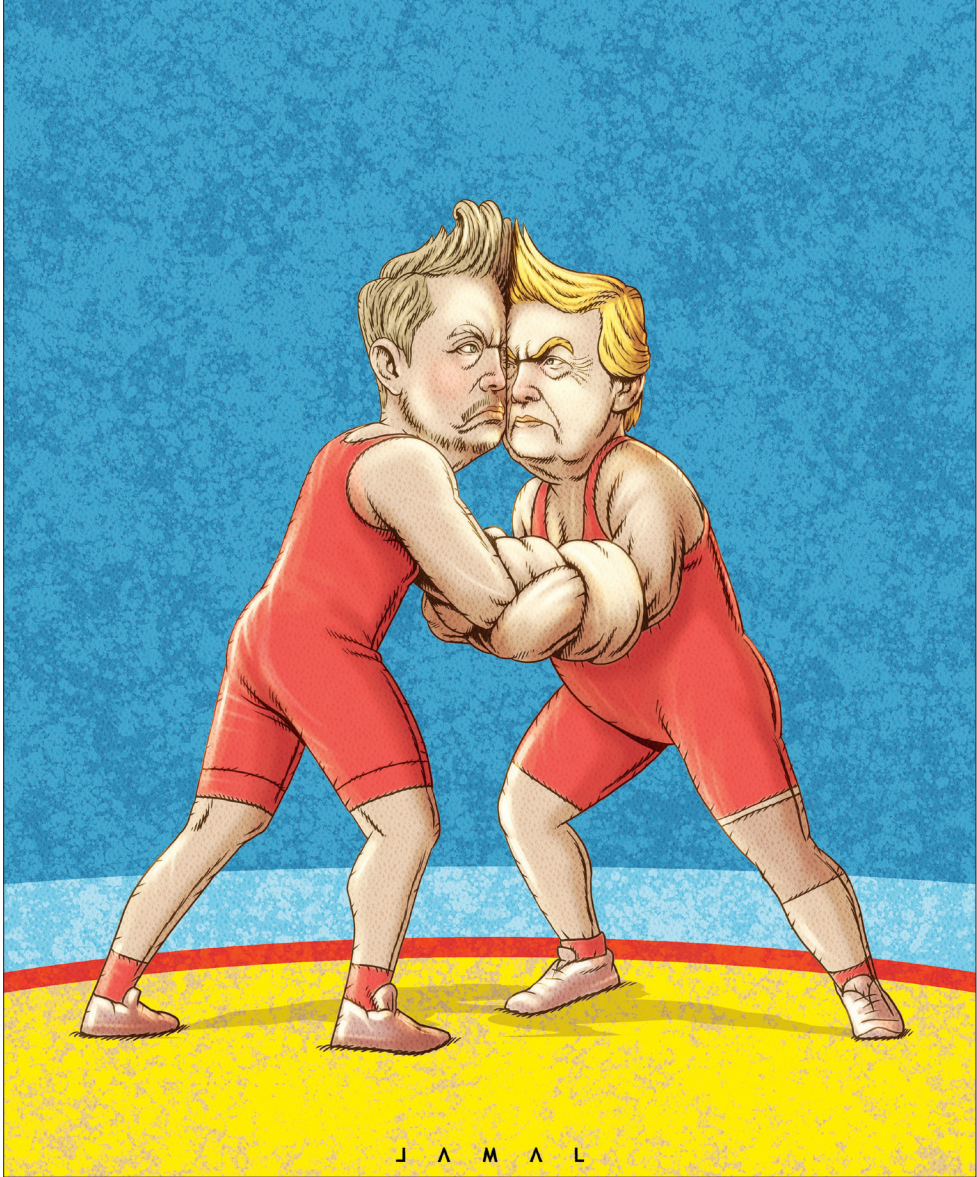
کوری بوکر، سناتور دموکرات نیوجرسی نیز اقدامات ترامپ پس از انتخابات ۲۰۲۰ را یادآوری کرد و در گفت‌وگویی با NBC گفت: «ما با رئیس‌جمهوری طرف هستیم که وقتی آشوب‌گران به کنگره حمله کردند و مأموران پلیس را به‌شدت تنک زدند، هیچ اقدامی نکرد و بعداً همه آن‌ها را عفو کرد. حالا او از اجرای قانون حرف می‌زند؟ این در بهترین حالت، یک

ریاکاری آشکار است.»



جمال رحمتی

در حاشیه درگیری‌های اخیر ترامپ و ایلان ماسک!



J A M A L

نگاه تحلیلیگر

هنر بازی با ترامپ



صادق زنگنه

نویسنده و پژوهشگر سیاسی

تئاتر سیاسی دونالد ترامپ، با ترکیبی از اظهارات متناقض و نمایش‌های رسانه‌ای، بار دیگر این پرسش را پیش روی ما قرار می‌دهد که دستگاه دیپلماسی ایران تا چه زمانی می‌خواهد در نقش یک بازیگر منفعل و هیجان‌زده باقی بماند؟ در روزهای اخیر، شاهد الگویی آشنا و در عین حال گیج‌کننده هستیم: ترامپ درباره مذاکره با ایران سخنی می‌گوید، اما بلافاصله رسانه‌های غربی به نقل از «منابع آگاه» خلاف آن را منتشر می‌کنند. این بازی دوگانه، که برای سردرگم کردن حریف طراحی شده، به شکلی موفقیت‌آمیز عمل می‌کند، زیرا تنها ابزار ما در این میدان، پاسخ‌های رسمی مقامات است. به محض انتشار یک خبر، موجی از واکنش‌های هم‌لحن و قابل‌پیش‌بینی سرازیر می‌شود؛ گویی همه مقامات ایرانی عضو یک گروه تلگرامی هستند که در آن، خط مشی «پاسخ فوری» ابلاغ شده و همگان موظف به اجرای آن‌اند. پاسخ سیاستمداران ایرانی به سخنان ترامپ در سفرش به عربستان نمونه‌ای از این گونه رفتارها بود. این رویکرد انفعالی، بیش از آنکه نشانگر اقتدار باشد، تصویری از یک دستگاه سیاست خارجی را به نمایش می‌گذارد که از درک پیچیدگی‌های جنگ روایت‌ها عاجز است. در حالی که طرف مقابل با ارکستری کامل از رسانه‌ها، منابع بی‌نام، اتاق‌های فکر و حتی چهره‌های مشهور بازی می‌کند، ما به یک تکنوازی غم‌انگیز از سوی سخنگویان رسمی بسنده کرده‌ایم. چرا؟

پاسخ تلخ است: دستگاه دیپلماسی ما نمی‌تواند از رسانه‌ها به‌عنوان یک بازوی استراتژیک بهره ببرد، زیرا آنقدر بال و پر این رسانه‌ها در داخل کوتاه شده که دیگر نه در میان مردم خودمان از وشوق کامل بر خوردارند و نه در عرصه بین‌المللی جدی گرفته می‌شوند. رسانه‌ای که اعتبار ندارد، یک ابزار سوخته است، نه یک سلاح دیپلماتیک.

برای درک بهتر بازی، کافی است به جدال اخیر ترامپ و ایلان ماسک نگاه کنیم. این صرفاً یک دعوی تویتری نیست؛ یک کلاس درس برای فهمیدن قواعد بازی با یک شومن سیاسی است.

سمفونی خطوط

رویارویی با شخصیتی چون ترامپ نیازمند ترکیبی هوشمندانه از سیاست‌ورزی دقیق، زیرکی رسانه‌ای و اندکی شیدایی حساب‌شده است. این همان «دیوانگی کنترل‌شده‌ای» است که حریف را غافلگیر کرده و او را از موضع تهاجمی به موضع واکنشی می‌کشانند. اما به نظر می‌رسد ما تنها بر بخش آخر، یعنی جنون، تمرکز کرده‌ایم؛ آن‌هم نه از روی زیرکی، که از سر هیجان و انفعال. این غفلت از کنشگری فعال، ما را در موضعی تدافعی حبس کرده است. به جای آنکه ما در اذهان عمومی آمریکا و اروپا پرسش ایجاد کنیم، همواره در حال پاسخ دادن به اتهامات آن‌ها هستیم. سیاستمداران آمریکایی و اسرائیلی بارها مردم ایران را مستقیم خطاب قرار داده‌اند تا میان ملت و دولت شکاف ایجاد کنند. در مقابل، شعارهای کلی «مرگ بر...» که از تربیون‌های رسمی ما بدون تفکیک میان دولت‌ها و ملت‌ها فریاد زده می‌شود، بهترین دستاویز را به دست رقبای ما می‌دهد تا روایتی یکپارچه از یک ایران متخاصم و ضدمدمی به جهان عرضه کنند.

عرصه سیاست، میدان پیچیده‌ای است که موفقیت در آن نصیب بازیگرانی می‌شود که روایت می‌سازند، نه آنهایی که به روایت دیگران پاسخ می‌دهند. تنها دیپلمات ایرانی که در سال‌های اخیر این هنر را به خوبی درک کرده بود و می‌توانست با سخنان دقیقش در ذهن افکار عمومی رقیب سوال بکارد و رهبران‌شان را در تله پاسخگویی بیندازد، جواد ظریف بود؛ اما همین سیستم که از پیچیدگی و ابتکار عمل گریزان است، او را به‌راحتی قربانی مصلحت‌اندیشی‌های کوتاه‌مدت و یکدست‌سازی کرد.

زمان آن فرا رسیده است که از این چارچوب ساده‌انگارانه و احساسی عبور کنیم. سیاست‌ورزی واقعی، هنر مدیریت بحران، پیش‌بینی روندها و شکل‌دهی به زمین بازی است، نه صرفاً عقب‌نشینی در برابر تحولات. برای خروج از این چرخه معیوب «همیشه یک حرکت عقب بودن»، باید به جای واکنش‌های آنی که تنها برای تسکین موقت افکار عمومی داخلی طراحی شده، بر اساس منافع ملی درازمدت تصمیم بگیریم. باید روایت خود را بسازیم، در ذهن ملت‌ها پرسش ایجاد کنیم و رهبران‌شان را به چالش بکشیم. تنها با چنین نگرشی می‌توان امیدوار بود که سکان کشتی سیاست خارجی کشور را از امواج هیجانات لحظه‌ای پس گرفته و به سمت ساحل امن منافع ملی مردم ایران هدایت کنیم.